Journal of Theory & Practice in Curriculum
Vol.4 (2); 2015, 135-160

دو فصلنامهٔ نظریه و عمل در برنامهٔدرسی
سال دوم، شمارهٔ ۴، پاییز و زمستان۱۳۹۳، ۱۶۰-۱۳۵

واکاوی تجارب معلمان زن در تدریس هنر در مدارس ابتدایی: یک پژوهش کیفی[1]

Analysis of teachers' experiences in teaching art in elementary schools: a qualitative study

ملیحه ذوالفقاریان[2]

دکتر مرجان کیان[3]

چکیده: هدف پژوهش حاضر شناسایی و تبیین تجارب معلمان در تدریس برنامهٔدرسی هنر دوره ابتدایی است. رویکرد پژوهش کیفی از نوع پدیدارشناسی است. جامعهٔ پژوهش معلمان دوره ابتدایی شهرستان مهدیشهر استان سمنان بودند که از طریق نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۱۰ نفر از معلمان با رعایت اصل اشباع نظری از طریق مصاحبهٔ نیمه‌ساختارمند در پژوهش شرکت کردند. داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری تحلیل شدند و روایی و پایایی آن‌ها از طریق سه معیار قابل‌قبول بودن، قابلیت اطمینان و تأیید پذیری به دست آمد. بر اساس یافته‌ها، تجربهٔ معلمان در تدریس هنر دورهٔ ابتدایی در دو مقوله دستاوردهای مثبت (توسعهٔ شایستگی‌های حرفه‌ای) و چالش‌های منفی (ضعف ارج‌گذاری به هنر) مشخص شد. معلمان در تدریس برنامهٔدرسی هنر نتوانسته‌اند از پتانسیل محتوایی این درس برای آموزش بهره‌مند شوند و بی‌اهمیت بودن برنامهٔدرسی هنر بین سایر دروس در تدریس عملی معلمان تأثیرگذار است. به دلیل مسائلی نظیر ضعف تخصص در آموزش هنر، کمبود وقت، کمبود بودجه، ناآگاهی والدین از اهمیت هنر، عموماً به برنامهٔدرسی هنر توجه کافی نمی‌شود. ارائه آموزش‌های ضمن خدمت تخصصی در درس هنر ویژه معلمان، ایجاد بستر مناسب برای تبادل تجارب بین معلمان، بالا بردن سطح آگاهی والدین نسبت به اهمیت درس هنر از توصیه‌های این پژوهش است.

کلیدواژه‌ها: تجربهٔتدریس، برنامهٔدرسی هنر، دورهٔابتدایی، پژوهش کیفی.

M.Zolfagharian

M.Kian (Ph.D)

Abstract: This study aims to identify and explain the experience of teaching art in the elementary school teachers was conducted. In this context, an essential question is examined: primary school teachers, learning how to experience the arts curriculum? Using qualitative research methods, semi-structured in-depth interviews and purposive sampling, 10 cases of primary school teachers Mehdishahr city were interviewed in depth. Theoretical saturation was confirmed at the end of my interview. Data were analyzed using coding techniques and the three criteria of validity and acceptability, reliability and scalability approval was obtained. The findings of the research, experience in teaching art in the elementary school teachers in the three main axes showed weakness honor the art, the lack of education, lack of parental interest. Based on these findings, teachers have not been successful in teaching the art curriculum and have failed to benefit from the potential for teaching art lessons. Despite the interest in the issue of teachers' verbal art unimportance among other courses in the teaching of practical arts curriculum for teachers is obvious. This is because art teachers from time to compensate for falling behind their modules to use. Facilities generally will address the curriculum of art as much as it abstained. Based on theory and research findings, strategies to overcome the challenges of art education in primary schools is recommended, including art lesson plans independently, providing specialized service training courses, particularly arts teachers, creating suitable for exchange of experiences among teachers, funding and facilities in accordance with the requirements of art lessons, parents and families to raise awareness of the importance of arts education.

Keywords: teaching experience, curriculum, arts, elementary education courses, qualitative research, Mehdishahr city.

---

[1] مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد استخراج شده است.

[2] کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی.

zolfagharian.malihe@gmail.com

[3] استادیار گروه مطالعات برنامه درسی دانشگاه خوارزمی.(**نویسنده مسئول**) **رایانامه:** kian.m44@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۰۹؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۲

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مقدمه و بیان مسئله

تربیت هنری در ایجاد و بارورسازی زمینه‌های سازنده نظیر خلاقیت، رشد مهارت‌های شناختی، پرورش و تعدیل عواطف و احساسات، تحول سلوک فردی، رشد اخلاقی، افزایش اعتمادبه‌نفس، رشد مهارت‌های فیزیکی تأثیری شگرف دارد. ازاین‌رو مکاتب گوناگون فکری، هنر را به‌منزلهٔ وسیله‌ای کارآمد برای توسعه مفاهیم و معارف مختلف در جامعه دانسته و آن را در پرورش انسان به‌گونه‌ای متناسب باهدف‌های خود به کار گرفته‌اند (میرزابیگی، ۱۳۹۰). در چهارچوب نگاه غیر ابزاری به هنر در نظام آموزشی، هنر به‌عنوان یک دیسیپلین مستقل آموزشی، به رسمیت شناخته‌شده است. میان هنر و سایر موضوعات تثبیت‌شده در برنامه‌های درسی مدارس، تمایزی نیست و هنر شایستگی به رسمیت شناخته شدن به‌عنوان یک دیسیپلین و قرار گرفتن درمجموع مواد درسی و در موقعیتی برابر با آن‌ها را دارد (مهر محمدی،۱۳۹۰).

برنامهٔدرسی هنر، برخلاف دروس پایه دیگر، یکسانی و یکنواختی در مواجهه با موقعیت‌ها و تبعیت از قواعد و هنجارهای پذیرفته‌شده را ندارد. هنر قلمرویی است که در آن دم‌به‌دم با مسئله مواجه می‌شویم و باید دائم به حل مسئله بپردازیم. لیکن تفاوت این مسائل با مسائلی که دانش‌آموزان معمولاً در قالب سایر دروس با آن‌ها سروکار پیدا می‌کنند، این است که یک راه‌حل شناخته‌شده ندارند و پاسخ‌های صحیح متعددی برای هرکدام از این مسائل متصور است. بروز رفتار خاص یا حل مسئله در چارچوب انگاره‌های رفتارگرایی، در قلمرو هنر به کناری نهاده می‌شود و سبک و قالب دیگری از حل مسئله در دستور کار قرار می‌گیرد. به‌زعم دیویی، جای این سبک بدیل از حل مسئله در نظام‌های آموزشی بسیار خالی است؛ چراکه اکثر مسائل واقعی زندگی که دانش‌آموزان با آن‌ها سروکار پیدا می‌کنند، از این جنس‌اند و فقدان فرصت تمرین حل این نوع مسائلْ نقصانی توجیه‌ناپذیر است (آیزنر، ۱۹۹۸).

متأسفانه هنر معمولاً به‌صورت متن برنامهٔدرسی موردتوجه قرار نمی‌گیرد. رابینسون[1] (۲۰۰۵) به اهمیت هنر در جامعهٔ دانایی‌محور توجه کرده است اما در اکثر نظام‌های آموزشی سراسر جهان هنر در حاشیه قرار دارد. هنر درس اختیاری است و جایگاه مهمی ندارد. هنر عنصری برای آماده‌سازی تعلیم و تربیت محسوب نمی‌شود. معلمان باید دانش کافی دربارهٔ هنرها داشته باشند که این دانش شامل مهارت‌های پیش‌نیاز در عرصهٔ آموزش و هنر است و برای داشتن

[1]. Robinson

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

قضاوت صحیح دربارهٔ یادگیری دانش‌آموزان لازم است. ویلسون (۲۰۰۵) گفته است: «تدریس خوب در تربیت هنری به دانش‌آموزان کمک می‌کند که دنیای نمادین اطراف خود را درک کنند، بسازند و با آن کار کنند»(مهرمحمدی و کیان، ۱۳۹۳).

در نظام آموزشی ایران دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (۱۳۸۷) تصمیم گرفت با طراحی برنامهٔدرسی جدیدی برای درس هنر به وضعیت نابسامان آموزش هنر در دورهٔ ابتدایی سامان بخشد که حاصل فعالیت و بررسی‌های علمی و کارشناسی دیگری که در این گروه انجام شد منجر به طراحی راهنمای برنامهٔدرسی هنر دورهٔ ابتدایی شد (مهرمحمدی، ۱۳۹۰). اکنون برنامهٔدرسی جدید هنر دورهٔ ابتدایی دارای دو کتاب راهنمای معلم برنامهٔدرسی دورهٔ اول ابتدایی (پایه‌های اول، دوم، سوم) (نواب صفوی و همکاران، ۱۳۸۵) و دورهٔ دوم ابتدایی (پایه‌های چهارم، پنجم، ششم) برای معلمان است (آیت اللهی و همکاران، ۱۳۹۱). اگرچه آموزش هنر یکی از مهم‌ترین بخش‌های برنامهٔدرسی مدارس امروز را تشکیل می‌دهد و به‌طور فزاینده‌ای نقش و جایگاه هنر در زندگی در حال بازشناسی است، اما هنرها به‌عنوان موضوعاتی جانبی و حاشیه‌ای در مدارس تلقی می‌شوند.

تدریس هنر، حرفه‌ای تخصصی است و کار ساده‌ای نیست. بزرگ‌ترین لطمه‌ای که سال‌هاست به هنر وارد می‌شود آن است که ما به دانش آموزان اجازه می‌دهیم برای لذت بردن از هنرها، به‌سادگی در کلاس درس بدون فعالیت هدفمند عمل کنند و گویی آن‌ها را در ساعت هنر به حال خود رها می‌کنیم؛ اما این روش صحیحی نیست. برای منفعت بردن از هنرها لازم است دانش آموزان در رشته‌ها و فعالیت‌های هنری غوطه‌ور شوند. تعادل ظریفی بین مهارت‌های یادگیری و داشتن آزادی برای نوآوری و تأمل وجود دارد؛ درحالی‌که بیشتر معلمان برای این امور آموزش ندیده‌اند (مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۳).

تربیت هنری در رشد مهارت‌های تفکر، توانایی خلاقیت و شکل‌دهی ارزش‌ها بسیار سهیم است. تربیت هنری توانایی برانگیزاندن افراد برای یادگیری و غلبه بر موانع یادگیری دارد و هیجان‌های منفی و دارای اثرات زیان‌بار مانند بی‌علاقگی، اضطراب و خستگی را کاهش می دهد و از بین می‌برد و رشد ارزش‌های انسانی از طریق فعالیت‌های هنرمندانه امکان‌پذیر است (آیزنر[1]، ۲۰۰۲).

[1]. Eisner

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

تجربه یادگیری هنر در کودک قابلیت‌هایی را ایجاد می‌کند که بر روابط او با دیگران، همکلاسی‌ها، معلمان و خانواده تأثیر می‌گذارد. کودکان در حین مشارکت در تجربه یادگیری هنر می‌آموزند که به دیدگاه‌های مختلف احترام بگذارند، نظرات دیگران را در نظر بگیرند، به دیگران گوش دهند، سازش کنند و مهارت‌های جمعی خود را در خدمت یک دیدگاه هنری کلی‌تر تحت کنترل درآورند (دیزی[1]، ۲۰۰۲). معلمان دوره ابتدایی در درس هنر باید بدانند که چه موقع دانش‌آموزان را آزاد بگذارند و به آن‌ها اجازه دهند که راه خودشان را پیدا کنند؛ اگرچه این روش آموزشی منحصر به تدریس هنر نیست، اما در عرصهٔ آموزش هنر اهمیت ویژه‌ای دارد. ازآنجاکه هنر در برنامهٔ درسی مدرسه از معدود عرصه‌هایی است که بر اهمیت دیدگاه فردی تأکید دارد، بنابراین فراهم کردن چنین فضایی همراه با کمترین دخالت‌های معلم بسیار ضروری به نظر می‌رسد (مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۳).

دیویس[2] (۲۰۱۰) در «افزایش نقش هنر در آموزش اولیه قبل از خدمت معلمان» نشان داد که طیف وسیعی از عوامل قبل و ضمن دوره آموزش معلمان، به تقویت توانایی تدریس هنر معلمان کمک کرده است. معلمان دارای هنر تصویرگری، به‌عنوان افراد هنرمند، ارزش هنر را در آموزش کودکان تشخیص می‌دهند و با افزایش اعتمادبه‌نفس، به تخصص‌های مختلف برای تدریس هنر دست می‌یابند. معلمان برای غلبه بر ترس خود در مواجهه با نوآوری‌های برنامهٔدرسی، نیازمند چنین تجاربی قبل از خدمت هستند ارزش هنر در افزایش و تقویت اعتمادبه‌نفس در کار متخصصان مختلف آموزش هنر ارائه‌شده است. پژوهش بیکال اورهان[3] (۲۰۰۹) دستاوردهای هر یک از دانش آموزان با روش‌های مختلف و تلفیقی از آن‌ها را به عنوان فرصت‌هایی برای هر یک از متغیرهای آموزشی نشان می‌دهد. دانش آموزان با روش دریافت مستقیم به‌راحتی خسته می‌شوند و سطح کمتری از دانش را دریافت می‌کنند. مربی هنرهای تجسمی می‌تواند دانش را در رویکردی تعاملی ارائه دهد.

آیبن[4] (۲۰۱۲) در پژوهش «آموزش هنرهای تجسمی در مدارس ابتدایی با رویکرد آموزش هنر پست‌مدرن» نشان داد شرکت در این برنامه آموزشی اثر متفاوتی برافزایش سطح آگاهی دانش آموزان داشته و آموزش هنرهای تجسمی تا حد زیادی به شیوه تدریس اثربخش‌تر معلمان

1. Deasy
2. Davies
3. Orhun
4. Ayben

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

و بهبود یادگیری هنر منجر شده است. کاسر[1] (۲۰۱۲) در پژوهشی به شیوه کیفی با ۱۰ معلم پیش‌دبستانی زن باتجربه کاری ۵ تا ۲۷ سال نشان داد به نظر معلمان تقویت مهارت‌های حرکتی ظریف در برنامه‌های آموزشی فرصت ابراز وجود برای کودکان ندارد و توجه درباره چگونگی تقویت ابراز وجود از طریق آموزش‌های هنری به کودکان ضروری است.

پژوهش فلاحی و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان «تأثیر آموزش با رویکرد تربیت هنری بر فعالیت‌های هنری و مهارت‌های فرآیندی دانش آموزان پایه چهارم» نشان داد نمره فعالیت هنری دانش‌آموزانی که با رویکرد تربیت هنری آموزش‌دیده‌اند با نمره فعالیت هنری دانش‌آموزانی که با روش‌های گذشته آموزش‌دیده‌اند تفاوت معناداری دارد. با رویکرد تربیت هنری مهارت‌های فرایندی تفکر، تعامل، مشارکت، همکاری، نظم، دقت و خلاقیت تقویت می‌شوند. تمنایی فر و همکاران (۱۳۸۹) به این نتیجه دست یافتندکه تربیت هنری باید به‌عنوان اولویت آموزشی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد؛ زیرا هنر می‌تواند با در نظر داشتن اساسی‌ترین مراحل و عمیق‌ترین ابعاد حیات و تربیت، شخصیت مخاطبان را با تغییر و تحولی آشکار روبه‌رو کند.

معلمان به‌عنوان عاملان اصلی در فرایند تربیت هنری نقش برجسته‌ای دارند ازاین‌رو بررسی تجارب معلمان در تدریس برنامهٔدرسی هنر می‌تواند چالش‌های آموزش هنر در مدارس ابتدایی را روشن سازد. بدین ترتیب هدف پژوهش واکاوی تجارب معلمان دوره ابتدایی در تدریس هنر است. پرسش‌های اساسی پژوهش عبارت‌اند از:

- تجارب معلمان در تدریس برنامهٔدرسی هنر دوره ابتدایی چیست؟
- پیامدهای تدریس هنر در مدارس ازنظر معلمان چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

بنا به ماهیت موضوع موردمطالعه، رویکرد پژوهش حاضر کیفی از نوع پدیدارشناسی است. از طریق این روش مقوله‌های فکری گروه موردپژوهش برای توصیف نگرش و رفتارهایشان موردتوجه قرار می‌گیرد (استراس و کوربین،۱۳۹۰). جامعه پژوهش معلمان دوره ابتدایی شهرستان مهدیشهر[2] است و نمونه‌گیری به‌صورت «هدفمند»[3] انجام شد و اطلاع‌رسان‌ها شامل ۱۰ نفر از معلمان پایه‌های اول و دوم و سوم ابتدایی با حداقل ۸ سال سابقه تدریس در دورهٔ ابتدایی در شهرستان مهدیشهر هستند(جدول ۱).

1. Kocer

[2] – شهرستان مَهدیشهر (نام دیگر سَنگسَر) یکی از شهرستان‌های استان سمنان واقع در شمال ایران است.

[3] - Purposeful

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

جدول ۱- مشخصات اطلاع‌رسان‌های پژوهش

کد مصاحبه‌شونده	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	پایه تدریس	سابقه تدریس (سال)
۱	کارشناسی	ادبیات	دوم	۱۷
۲	کارشناسی	روانشناسی	دوم	۹
۳	کارشناسی	زیست‌شناسی	دوم	۸
۴	فوق‌دیپلم	حسابداری	اول	۱۶
۵	کارشناس ارشد	فقه و حقوق	سوم	۲۳
۶	دیپلم	علوم انسانی	اول	۱۳
۷	دیپلم	ریاضی و فیزیک	دوم	۱۷
۸	کارشناسی	آموزش ابتدایی	اول	۸
۹	فوق‌دیپلم	علوم تربیتی	دوم	۲۳
۱۰	فوق‌دیپلم	آموزش ابتدایی	سوم	۲۴

ابزار جمع‌آوری داده‌ها «مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته» بود که داده‌های استانداردی از همه پاسخ‌دهندگان جمع‌آوری شد، اما اطلاعات به‌دست‌آمده نسبت به آنچه می‌توان با روش مصاحبه‌های کاملاً سازمان‌دهی شده به دست آورد، عمق بیشتری داشت (گال و همکاران، ۱۳۹۲) و این امر تا حد اشباع نظری مصاحبه‌ها ادامه یافت. به‌منظور تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری در نظریه مبنایی استفاده شد. منظور از کدگذاری، شکستن داده‌های گردآمده به کوچک‌ترین اجزاء معنادار است. اجزایی که مبنایی برای یافتن و ساختن مفاهیم مستتر درداده‌ها هستند (منصوریان، ۱۳۹۱). پژوهشگر سعی کرد بامطالعه سطر به سطر متن مصاحبه‌ها و دقت در تصاویر یا اسناد گردآمده به شناختی تازه از پدیده موردمطالعه برسد. مراحل کدگذاری بدین‌صورت انجام می‌گیرد:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

الف- کدگذاری باز[1]: ابتدا داده‌های حاصل از نظرات معلمان در تدریس هنر شکسته و تلخیص شده و به داده‌های شکسته شده برچسب و معنا داده شد و از مجموع داده‌ها مقوله‌ها به دست آمد.

ب- کدگذاری محوری[2]: روند ارتباط دادن خرده مقولات به یک مقوله شکل گرفت؛ یعنی هر مقوله را با توجه به شرایط و محل این پدیده که در بعد خاص اتفاق می‌افتد و با در نظر گرفتن خصوصیات آن، زمینه، واکنش نشان دادن به این پدیده و پیامدهای هرگونه کنش متقابل که صورت می‌گیرد، بسط دادیم.

ج- کدگذاری انتخابی[3]: به تولید متن یا عبارتی که در آن با استفاده از اصول یا گزاره‌های منطقی، رابطه بین مفاهیم و مقولات شرح داده شود، پرداختیم و پدیده موردبررسی یعنی تجارب معلمان در تدریس هنر توصیف شد.

جهت تعیین «روایی و پایایی داده‌ها» از سه معیار موردنظر صاحب‌نظران مطالعات کیفی، شامل «قابل‌قبول بودن»[4]، «قابلیت اطمینان»[5] و «تأیید پذیری»[6] (منصوریان، ۱۳۹۱) استفاده شد:

- جهت «قابل‌قبول بودن» و تأیید درستی یافته‌ها، رونوشت‌های مصاحبه و گزارش پژوهش برای معلمان ارسال شد تا موافقت یا مخالفت آن‌ها با مطالب ذکرشده و یافته‌های پژوهش مشخص شود.
- به‌منظور تضمین «قابلیت اطمینان» یافته‌ها تلاش شد تا فرایندها و تصمیمات مربوط به پژوهش به‌طور واضح در متن پژوهش تشریح شود.
- برای «تأیید پذیری» نتایج، یافته‌ها با پیشینه پژوهش مقایسه شد و با استناد به بحث‌های نظری در تبیین آن‌ها اقدام شد.

1- Open coding
2- Axial coding
3- Selective coding
4 - Credibility
5 - Dependability
6 - Conformability

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

یافته‌های پژوهش

تجربهٔ معلمان در تدریس هنر دورهٔ ابتدایی در دو مقولهٔ اصلی و چند زیر مقوله قرار گرفت. مقولهٔ اول، پیامدها و دستاوردهای مثبت تدریس هنر شامل دو زیر مقولهٔ توسعهٔ شایستگی‌های حرفه‌ای و رشد و تحول هنری است. مقوله دوم پیامدهای منفی و چالش‌های تدریس هنر شامل سه زیر مقولهٔ ضعف ارج‌گذاری به هنر، ضعف فضای آموزشی، عدم استقبال والدین است(شکل ۱):

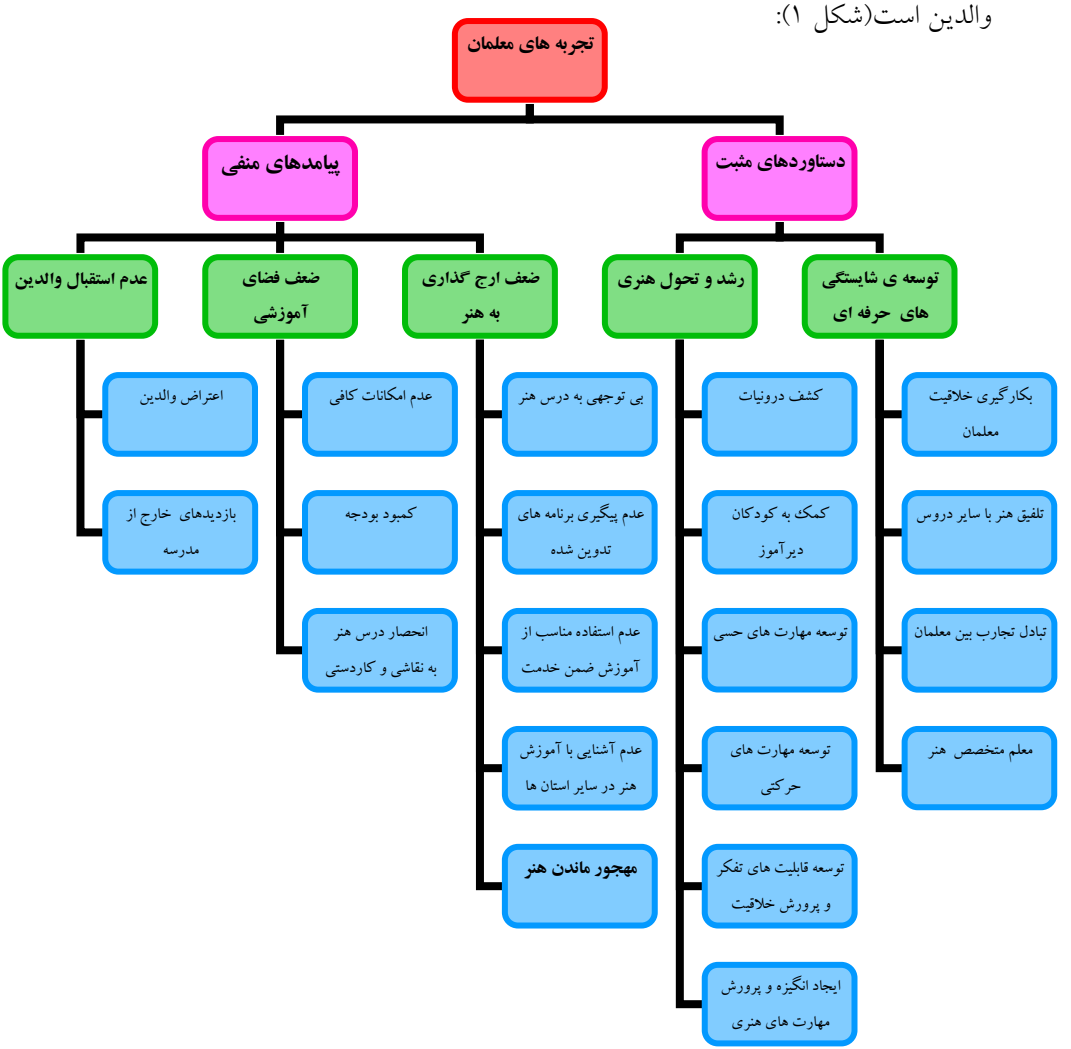

شکل ۱- مروری بر تجارب معلمان در تدریس هنر دروه ابتدایی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مقوله اول- پیامدها و دستاوردهای مثبت: پیامدهای مثبت حاصل از تجارب معلمان در تدریس هنر در دو زیر مقوله شامل «توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای» و «رشد و تحول هنری» قرار دارد.

۱- توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای

۱-۱- جبران کمبود امکانات با خلاقیت معلمان

معلمان تسلیم کمبود امکانات نشده‌اند وسعی کردند باکارهای خلاقانه و استفاده از وسایل کم‌هزینه‌تر بر کمبود امکانات فائق آیند.

مصاحبه‌شونده (۱): «گاهی به سری وسایل رو خودمون درست کردم مثل همون چرتکه که با یونولیت درست کردیم. برخی از معلما هستند خلاقیتشون خیلی بیشتر از ما هست خیلی ذوق هنری دارند».

مصاحبه‌شونده (۸): «گاهی شده به خاطر نداشتن امکانات خودمون سعی کردیم جبران کنیم. مثلاً تو ریاضی نی آوردیم، بریدیم. تقسیم کردیم بچه‌ها استفاده کنن. یا مثلاً حبوبات میاریم این کارا رو انجام می‌دهیم».

برخورداری از امکانات و منابع آموزشی در درس هنر در برخی از کشورهای دنیا موردتوجه است. در استرالیا طرح معماری فضای مراکز هنری برای دوره ابتدایی در نظر گرفته‌شده است. هنگ‌کنگ ویژگی‌های اندازهٔ اتاق‌ها، لوازم و تجهیزات و ابزارهای تدریس هنر و موسیقی برای کلاس هنر در نظر گرفته شده است. در سنگاپور هر مدرسه ابتدایی دارای دو اتاق هنر و دو اتاق موسیقی است و دبیرستان‌ها یک اتاق موسیقی، دو اتاق هنر، یک اتاق برای کارهای پروژه‌ای و انبار دارند (شارپ و همکاران، ۲۰۰۰).

۱-۲- تلفیق هنر با سایر دروس

معلمان نسبت به تلفیق برنامهٔدرسی هنر نظر مثبتی داشتندو از ترکیب اشکال هندسی و آموزش ریاضی بهره برده‌اند. با تلفیق درس علوم و هنر موفقیت بیشتری کسب کردند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مصاحبه‌شونده (۲): «مثلاً یه بار زنگ نقاشی رو تلفیق می‌کنیم با یه زنگ علوم، زنگ علوم یه کاری داریم که میشه تو زنگ هنر انجام داد. اونو میذاریم تو زنگ هنر باهاش تلفیق می‌کنیم. اونا گفتن شما درسها رو تلفیق کنید ولی عنوان نکردن کدام درس؟».

با استفاده از هنر و ساختن کاردستی در تفهیم درس مخروط ریاضی از هنر بهره‌مند شده‌اند. با استفاده از حبوبات و طراحی حروف و استفاده از آن در درس *بخوانیم و بنویسیم* تا حد زیادی روند یادگیری را تسهیل کردند.

مصاحبه‌شونده (۸): «من درس هنر رو با درس‌های دیگه تلفیق می‌کنم. مثلاً می‌گویم که بچه‌ها با کاغذ رنگی، اشکال هندسی رو دربیارن، قیچی کنند، بچسبانند. یا مثلاً نقاشی با اشکال هندسی با اعداد. مثلاً با حروف نقاشی بهشون میدم، این کارها رو انجام می‌دهم».

اجرای برنامهٔدرسی تلفیقی در کلاس مستلزم آگاهی و تبحر حرفه‌ای معلمان است. معلمان باید شناخت کافی نسبت به اشکال مختلف تلفیق داشته باشند و در موقعیت‌های خاص از آن استفاده کنند (امینی، ۱۳۸۴: ۱۹۶).

۱-۳- تبادل تجارب بین معلمان

استفاده از تجربه معلمان دیگر فرصتی است برای پیشرفت و کسب موفقیت در کارشان. آن‌ها زنگ‌های تفریح و شورای معلمان را فرصت مناسبی برای تبادل‌نظر می‌دانند.

مصاحبه‌شونده (۵): «من خودم با معلمان ارتباط می‌گیریم باهم. مثلاً در شورای معلمانی که هست یا زنگ‌های تفریح. کارهایی که ما انجام می‌دهیم رو به هم می‌گوییم. تابه‌حال هم موردی نبوده که معلمی از تجربه دادن من بهش خوشش نیاد».

طراحی واحد درس پژوهی برای معلمان و اجباری بودن آن در ایجاد تعامل بین معلمان مفید است. معلمان سعی می‌کنند از لوح فشرده آموزشی نیز استفاده کنند.

مصاحبه‌شونده (۶): «من خیلی از تجربه دیگران استفاده می‌کنم. از تجربه‌ای که دارن مثلاً سی دی هاشون، روش تدریسشان، همه این‌ها رو برای تجربه خودمون استفاده می کنیم. کم اتفاق می افته وقتی به معلم‌های دیگه پیشنهادی می‌دهیم مقاومت کنند و ناراحت بشوند».

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۱-۴- استفاده از معلم متخصص برای درس هنر

معلمان استفاده از معلم متخصص را برای برنامهٔدرسی هنر ضروری می‌دانند. آن‌ها این امر را به‌عنوان راهکاری مناسب برای بالا بردن اهمیت جایگاه هنر نزد معلمان می‌دانند.

مصاحبه‌شونده (۲): «اگه بودجه داشته باشند خیلی خوبه که ندارند. یک متخصص هنر برای زنگ هنر بیارن خیلی عالی میشه. برای بچه‌ها که از پایه آموزش می‌بینند خیلی عالی می‌شود».

برخی از معلمان استفاده از معلم متخصص را برای کلاس‌های بالاتر مناسب می‌دانند تا کودکان به مرحله بالاتری از رشد رسیده باشند وبتوان در فرصت کوتاهی که معلم در اختیار دارد به اهداف برنامهٔدرسی هنر رسید.

مصاحبه‌شونده (۷): «اگه متخصص یه متخصصه یا یه معلم هنر جدا داشته باشند. فقط با این‌ها هنر کار کنه، خیلی بهتره. ولی خوب معلم هم آموزش ضمن خدمت درباره هنر ببینه خوبه به نظر من. ولی متخصص باشه بازم بهتره».

تدریس موضوعات درسی هنر توسط متخصصان در دورهٔ ابتدایی پدیده‌ای نادر است؛ گرچه کشورهای کره جنوبی و هلند این‌گونه اعلام کرده‌اند که مدارس ابتدایی در این کشورها می‌توانند معلمان متخصص را برای تدریس هنرها به‌کارگیرند. در استرالیا بیشتر معلمان دورهٔ ابتدایی معلمان عمومی هستند، اما مدارس برای تدریس تخصصی (مانند هنرهای تجسمی یا موسیقی) از معلمان ویژه یا از متخصصان پاره‌وقت استفاده می‌کنند (شارپ و همکاران، ۲۰۰۰).

۲- رشد و تحول هنری

۲-۱-کشف درونیات دانش آموزان

استفاده از نقاشی و تفسیر آن روشی برای پی بردن به روحیات دانش آموزان است. معلمان با توجه به کارهای هنری کودکان می‌توانند به مشکلات آن‌ها پی ببرند و به وسیلهٔ ارتباط گرفتن با

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

والدین و در جریان گذاشتن آن‌ها نسبت به مسائل کودکان سعی در حل مشکلات یادگیری کنند.

مصاحبه‌شونده (۲): «در فعالیت نقاشی خیلی می‌شود به روحیات بچه‌ها پی برد. مثلاً بچه‌ها نقاشی که می‌کشند رنگی که میزند میشه بفهمی که تو خانواده هاشون مشکل‌دارند یا ندارند. اگه اون روز مامانشون دعواشون کرده، نقاشی که می کشن رنگ‌های تیره استفاده می‌کنند. احتمالاً مشکل‌دارند».

معلمان می‌توانند با دقت در کارهای هنری کودکان و نحوه انجام آن به استعدادهای کودکان پی ببرند و در پرورش و رشد آن‌ها یاریگر باشند. با توجه به کارهای کودکان به آرزوها و خواسته‌های ایشان پی می‌برند و احساسات آن‌ها را در مورد موضوعات مختلف درک می‌کنند.

مصاحبه‌شونده (۷): «من داشتم دانش‌آموزی که گفتم نقاشی بکشد، دیدم تو نقاشیش یه بچه‌ای رو کشیده بود، یه تخت کشیده بود یه بچه کشیده بود توش و زیرش نوشته بود من خیلی دوست دارم یک خواهر داشته باشم. من این رو با مادرش مطرح کردم. گفتم این بچهٔ تو خیلی دوست داره، اصلاً جزء آرزوهاشه یه خواهر داشته باشه. بعدها مادرش یه بچه آورد و بچه هم به آرزوش رسید».

۲-۲- کمک به کودکان دیرآموز

گرچه تعداد کودکان دیرآموز در کلاس‌های درس زیاد نیست اما فرایند یاددهی-یادگیری این کودکان وقت‌گیر است و مشکلات بیشتری دارد. اما هنر برای آموزش کودکان دیرآموز مؤثر است.

مصاحبه‌شونده (۱): «ممکنه که بچه‌های دیرآموز رو با هنر راه بندازیم. شاید بچه‌ای که دیرآموزه و مشکل داره یه نقاشی خیلی قشنگ برات میکشه، پس علاقش به اینه. می‌توانیم با تلفیق کردن درسا با هنر ازلحاظ درسی پیشرفت بدهیم».

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

معلمان هنر را وسیله‌ای برای مفرح شدن یادگیری کودکان می‌دانند. برخی کودکان دیرآموز استعداد در کارهای هنری دارند که می‌توان از این خاصیت برای آموزش بهتر و مفیدتر این کودکان استفاده کرد.

مصاحبه‌شونده (۶): «دیرآموزها مخصوصاً با هنر خیلی میشه بهشون کمک کرد. برای بچه‌های بیش‌فعال شاید نه. ولی من دیرآموز داشتم که با هنر، با نقاشی کشیدن راحت‌تر یاد می‌گرفت».

۲-۳- توسعه مهارت‌های حسی

توسعه مهارت‌های حسی با استفاده از آموزش هنر ممکن است. اگر انسان بتواند از هر یک از حواس پنج‌گانه به‌درستی استفاده کند، در شناخت محیط خود و دریافت اطلاعات متنوع از آن، موفق خواهد بود.

مصاحبه‌شونده (۲): «با لمس کردن برگ یا وسیله‌ای که آوردن، یا پارچه‌های مختلفی که آوردن تو دفتر چسباندند، مثلاً این زبره. این نرمه؛ و یه وقتایی ترانه کودکانه می‌گذارم و با شنیدن صداها، موسیقی‌ها با زنگ هنر تلفیق‌شده».

معلمان به تأثیر هنر در تقویت مهارت‌های حسی تأکید کرده و استفاده از موسیقی در آموزش را در تقویت حس شنوایی مؤثر دانسته‌اند. استفاده از مواد مختلف و تهیه کاردستی را ابزار مناسبی برای تقویت حس لامسه می‌دانند.

مصاحبه‌شونده (۶): «ما بااین‌همه شعرهایی رو داریم تو بخوانیم که با موسیقیه. من میام چیکار می‌کنم؟ اگه امکانات وجود داشته باشه. نوار هم وجود داشته باشه. اون موقع که بچه‌ها نقاشی می‌کشند، میگم بچه نقاشی که می کشین این نوار موسیقی رو هم گوش کنین».

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۲-۴- توسعه مهارت‌های حرکتی

معلمان بـه توسـعه مهـارت‌هـای حرکتـی بـا اسـتفاده از درس هنـر معتقدنـد و در تـدریس برنامۀدرسی هنر از وسایل دور ریختی برای ساختن کاردستی‌های متنوع و تمرین دسـت ورزی، پانتومیم، خمیربازی استفاده کردند.

مصاحبه‌شونده (۲): «مثلاً هفته‌ای دو ساعت هنر رو دارم. این هفته گفتم بچه‌ها موضـوع آزاد نقاشی باشه. مثلاً سنگ بیارید که روش با گوواش شکل‌های مختلف می‌کشند».

مصاحبه‌شونده (۸): «با نقاشی و مداد رنگی چطوری دستشون بگیرید و رنگ‌آمیـزی کننـد و حرکت دستشون چه جوری باشه. خمیربازی هم اول سـال میـارم. بـرای تقویـت مـچ دستشـون استفاده می‌کنم. یا برای آموزش حروف از خمیر استفاده می‌کنم».

کارهایی مانند نقاشی، کاردستی، تربیـت شـنوایی، قصـه یـا بـازی‌هـای نمایشـی بـه شـکلی سازمان‌دهی شده‌اند که دقت و هماهنگی را در سطوح مختلف ایجاد مـی‌کنـد (نـواب صـفوی و همکاران، ۱۳۸۵).

۲-۵- توسعه قابلیت‌های تفکر و پرورش خلاقیت

معلمان به پرورش خلاقیت توجه داشته‌اند وسعی کرده‌اند از هنر بـرای پـرورش خلاقیـت کودکان کمک بگیرند.

مصاحبه‌شونده (۳): «آموزش ضمن خدمت برای معلمان خیلی بهتره. به خاطر اینکه ترکیـب هنر با همه درس هاست. در نتیجـه معلـم بایـد همـه ایـن‌هـا رو خـودش وارد باشـد. مـدارس غیرانتفاعی معلم هنر مختصص دارند. ولی به نظر من اگه آموزش همگانی باشه. همـه معلـم‌هـا آموزش ببینن خیلی بهتر از متخصصش هست».

فعالیت‌های هنری ظرفیت تفکر را توسعه می‌بخشند، شـیوه‌هـای تفکـر را بنیـان مـی‌نهنـد و روش‌های ماهرانه‌ای برای ارتباط با جهان پایه‌گذاری می‌کنند (نواب صفوی و همکاران، ۱۳۸۵).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۲-۶- ایجاد انگیزه و پرورش مهارت‌های هنری

معلمان اذعان دارند برخی کودکان برای انجام کارهای هنری بی‌انگیزه‌اند و تمایلی به فعالیت‌های هنری از خود نشان نمی‌دهند. معلمان برای ایجاد انگیزه و پرورش مهارت‌های هنری از روش‌های مختلف استفاده می‌کنند مانند استفاده از اشکال هندسی ساده، نگریستن و نقد نقاشی کودکان، آزاد گذاشتن تخیل کودکان، پیدا کردن علایق دانش آموزان.

مصاحبه‌شونده (۱): «بعضی بچه‌ها هستن هیچی بلد نیستن بکشن با اینا باید چیکار کنم؟ من می‌تونم با یک‌شکل خیلی ساده، مثلاً یه دونه بیضی می‌کشم، با بیضی یه موش درست می‌کنم، خوشش میاد اون تشویق میشه به کشیدن نقاشی یا مثلاً هنرهای دیگه».

مصاحبه‌شونده (۷): «بچه‌های که نقاشی بلد نیستند یا دوست ندارند نقاشی بکشند. خودم کمکش می‌کنم. یا به بچه‌ها می‌گویم بهشون کمک کنند. بهش یاد بدن که این گردی رو بتونن بکشن. رنگ‌آمیزی رو بهشون یاد می‌دهم».

مقوله دوم-پیامدهای منفی و چالش‌ها: تجربه معلمان در تدریس هنر در سه زیر مقوله شامل «ضعف ارج‌گذاری به هنر»، «ضعف فضا و امکانات» و «عدم استقبال والدین» قابل‌بررسی است.

۳- ضعف ارج‌گذاری به هنر

۳-۱- بی‌توجهی به درس هنر

معلمان به جایگاه واقعی هنر واقف نیستند و از هنر برای سرگرمی شاگردان استفاده می‌کنند تا به کارهای عقب‌افتاده خود بپردازند.

مصاحبه‌شونده (۸): «شاید هنر به نظرشون مهم باشه ولی عملاً وقتی زنگ نقاشی را بگیری برای درس‌های دیگه یعنی هنر برایت اهمیت نداره».

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مصاحبه‌شونده (۹): «تا سال‌های قبل هم فکر می‌کردم که نقاشیه و کاردستی زنگ هنر. موقع امتحان هم می‌گفتم یه نقاشی بکشین بیارین یا یه کاردستی بیارین. فقط می‌گفتم از خونه کاردستی درست کنیدوبیاورید».

۳-۲- عدم پیگیری برنامه‌های تدوین‌شده

تدوین برنامه برای آموزش دررسیدن به موفقیت مهم است. برای بسیاری از کارهایی که در زندگی روزمره به وقوع می‌پیوندد، نیاز به برنامه ریزی وجود دارد و موفقیت در آن مرهون همین برنامه‌ریزی است.

مصاحبه‌شونده (۴): «اینجا متأسفانه اصلاً چیزی تو حیاط از طبیعت نداره. یه اردو فقط اونا برده بودیم. اصلاً تو همون طبیعت اون چیز یاد می گیره. نیاز نیست حتماً تو کلاس بشینه. من موافق زیاد تو کلاس نشستنه بچه چیز یادگرفتنش نیستم».

پیگیری نکردن برنامه‌ها منجر به بی‌ثمر و عقیم ماندن آن‌ها می‌شود. در ابتدای هر تغییری شور و هیجان زیادی هست اما کم‌کم طرح‌ها بی‌نتیجه رها می‌شود.

مصاحبه‌شونده (۸): «والله برای درس هنر هیچ‌وقت نشده برویم طبیعت. مثلاً اگه برنامه‌ریزی کنیم تو سال آن‌ها رو یک‌بار ببریم پارک، بعد تو همون یه جلسه آموزش درس علوم و فارسی و همه رو همون جا بهشون بدیم، خیلی مفیده. یه بار اونا رو بردیم پارک. ولی این‌طور نبوده که مختص هنر بچه‌ها رو ببریم بیرون».

۳-۳- عدم استفاده مناسب از آموزش ضمن خدمت

معلمان به تأثیر آموزش ضمن خدمت درزمینهٔ هنر تأکید دارند و این دوره ها را برای پیشرفت معلمان و موفقیت در تدریس لازم می‌دانند. زمان برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت معمولاً در ایام مدرسه است و به دلیل مشغولیت کاری زیاد از طرف معلمان استقبال نمی‌شود.

مصاحبه‌شونده (۱۰): «همه معلم‌ها اکثراً دوره‌دیده‌اند. هنر هم‌دوره دیدیم. آموزش ضمن خدمت مؤثرتر و مفیدتره. زمان گذاشتن آموزش ضمن خدمت بهتره در تابستان، شهریور باشه که معلم‌ها هم آزادترند و وقت دارند».

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

اگر کلاس‌ها در زمان تعطیلات و تابستان برگزار شود معلمان با تعلق‌خاطر حضور می‌یابند.

مصاحبه‌شونده (۵): «آموزش‌وپرورش یه چیزی رو برای نقاشی و خوشنویسی گذاشته، برنامه‌ریزی که دارند مثلاً برای پایه‌های دوم، یا مثلاً یک سال برای کلاس چهارمی‌ها می‌گذارند برنامه‌های آموزش‌وپرورش خیلی محدوده».

این امر در حالی است که در ایرلند شمالی فقط یک واحد کوتاه هنر در تربیت‌معلم دورهٔ ابتدایی وجود دارد. همچنین رشد مهارت در چنین مدت کوتاهی چندان حاصل نمی‌شود و دانشجومعلمان اعتمادبه‌نفس لازم را برای به‌کارگیری الزامات مادهٔ درسی کسب نمی‌کنند؛ اما در ایالت ولز استرالیا، هنرها بخشی از دورهٔ تربیت‌معلم پیش از خدمت را به خود اختصاص می‌دهند و معلمان دورهٔ ابتدایی ارتباط بسیار کمی با هنرها دارند. درحالی‌که در ایالت کوئینزلند، دروس آموزشی برای معلمان عمومی دورهٔ ابتدایی شامل یک الی دو ترم تحصیلی برای رشتهٔ هنر نظیر نمایش تعیین شده است (شارپ و همکاران، ۲۰۰۰).

۳-۴- عدم آشنایی با آموزش هنر در سایر استان ها

معلمان آگاهی بسیار کمی از برنامهٔدرسی هنر دیگر نقاط کشور و جهان دارند.

مصاحبه‌شونده (۲): «از نحوه تدریس هنر در شهرستان‌های دیگه اطلاعی ندارم. فقط مجله معلمی هست که بعضی موقع چیزایی توش هست دوست دارم منم برای خودم اجرا کنم».

آشنایی معلمان از نحوه تدریس دیگر معلمان در سراسر کشور می‌تواند راه‌کارهایی برای آن‌ها فراهم کند تا از تجارب دیگر معلمان در امر تدریس خود استفاده کنند.

مصاحبه‌شونده (۱۰): «در مورد اینکه شهرهای دیگه چطوری با درس هنر برخورد می‌کنند اطلاعی ندارم».

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۳-۵- مهجور ماندن هنر

معلمان، دروس دیگر به‌ویژه ریاضی را به هنر ترجیح می‌دهند. در درس هنر دانش آموزان را به نقاشی مشغول می‌کنند و به کارهای عقب‌مانده کلاس مثل بررسی تکالیف می‌پردازند.

مصاحبه‌شونده (۲): «اکثر معلم‌ها این کار رو می‌کنند که اصلاً زنگ هنر را اهمیت نمی‌دهند. مخصوصاً نقاشی و خط، خط تحریری که خیلی مهمه. این دوتا رو باید بیشتر بها بدهند».

مصاحبه‌شونده (۹): «ما هم همین چند سال قبل زیاد به هنر اهمیت نمی‌دادیم. بیشتر درس‌هایی که عقب‌مانده داشتیم می‌گذاشتیم زنگ هنر. یا مثلاً خودمون یه کاری داشتیم به بچه‌ها می‌گفتیم نقاشی بکشند، ما به کارمون برسیم».

آموزش هنرها مسئله‌ای فراتر از تدریس مهارت‌ها، فعالیت‌ها و دانش خاص به یادگیرندگان است. در این راستا برنامه‌های تربیت هنری علاوه بر قابلیت‌های کارگاهی، باید به سمت آماده‌سازی بیشتر معلمان هنر برای تدریس جهت دهی شوند تا بر اساس مهارت‌های سایر هنرمندان فعالیت کنند؛ مهارت‌هایی که در سایر موضوع‌های درسی قرار دارند. همچنین مهارت‌هایی را در خود رشد دهند که برای مشارکت با هنرمندان و معلمان سایر موضوعات درسی در موقعیت‌های آموزشی نیاز است (مهرمحمدی و کیان، ۱۳۹۳).

۴- ضعف فضای آموزشی و امکانات

۴-۱- عدم امکانات کافی

معلمان به عدم امکانات، عدم وجود فضا و شرایط مناسب برای آموزش هنر اذعان می‌کنند. از وسایل کمک‌آموزشی دیگر مثل کامپیوتر و تلویزیون و غیره که تا حدود زیادی می‌تواند در امر آموزش کمک‌کننده باشد، نیز بی‌بهره‌اند.

مصاحبه‌شونده (۱۰): «فقط یه کامپیوتر هست که اونم نصفه درست نصفه خراب. همیشه هم تو دفتر دارن باهاش کار می کنن. من می دونم انواع سی دی های آموزشی هست ولی من امکانات استفاده را ندارم».

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مصاحبه‌شونده (۲): «امکاناتی برای هنر مدرسه نداره. خودمون اینجا وسیله نیاز داشته باشیم، بچه‌ها برای کاردستی از خونه میارند. فقط در حد برگه A4 اونجوری بچه‌ها رنگ رو خودشون میارند وسایلی که می‌خواهیم خودشون می‌آورند».

۴-۲- کمبود بودجه

بودجه در امر آموزش یکی از اصلی‌ترین مؤلفه هااست. معلمان از عدم تخصیص بودجه کافی در درس هنر شکایت داشتند.

مصاحبه‌شونده (۵): «مدیر هرچی امکانات داشته باشه به هممون می‌دهد. ولی اونم باز برمی گرده به اداره که امکانات را به مدیر بده. مشکل ما تو هنر بیشتر تو هزینه هاست. مثلاً بیرون بردنشون».

تخصیص کم بودجه به هنر در سیاست‌گذاری آموزش‌وپرورش، پایین بودن سرانه دانش آموزان و عدم توانایی مدیر در تأمین مخارج مربوط به فعالیت‌های هنری از مشکلات جدی در درس هنر است.

مصاحبه‌شونده (۶): «مثلاً در کلاس چند دفعه اعلام می‌کنیم، بچه‌ها فردا آبرنگ بیارن. اون بچه‌ای که می تونه میاره ولی اون که نمی تونه به نظرم خود مدرسه باید یه هزینه‌ای رو داشته باشه یه بودجه‌ای رو داشته باشه که بتواند بگیرد».

۴-۳- انحصار درس هنر به نقاشی و کاردستی

هنر محدود به نقاشی و کاردستی نیست و هنرهای تجسمی، موسیقیایی و نمایشی را در برمی‌گیرد؛ اما تدریس هنر در مدارس به کاردستی و نقاشی محدود است.

مصاحبه‌شونده (۱): «فقط مثلاً، بعضی کلاس‌ها این‌طوری شده که خلاصه‌شده فقط در نقاشی کردن، یا به‌ندرت کاردستی».

معلمان در کلاس هنر اکثراً به نقاشی می پردازند و کارهای دیگر هنری و ازجمله کاردستی را به‌عنوان تکلیف در منزل قرار می‌دهند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مصاحبه‌شونده (۸): «چون کشیدن یه نقاشی راحت تره. اکثراً زنگ‌های هنر، نقاشی می‌شود؛ یعنی واقعاً من نقاشی با حروف و با اعداد و اینا رو خودم سر کلاس کشیدم. این‌قدر کثیف کاری و شلوغ‌کاری میشه که من می گم خونه انجام بدهید و بیاورید».

یکی از مفروضات پروژه تتاک[1] دربارهٔ چگونگی آموزش هنر این است که آموزش هنر باید جامع باشد؛ شامل بررسی زیباشناختی، نقد، تاریخ و فرهنگ و دانش و مهارت‌های موردنیاز برای طراحی و اجرا (کی‌لین،[2] ۲۰۰۴).

۵- عدم استقبال والدین

۵-۱- اعتراض والدین به فعالیت هنری کودکان در منزل

خانواده‌ها از اهمیت و تأثیر درس هنر در یادگیری بی‌اطلاع هستند. توجه بیش‌ازحد والدین به نمره فرزندانشان دلیل دیگری برای توجه به دیگر دروس مخصوصاً ریاضی و علوم و بی‌توجهی به دروسی مانند هنر و ورزش است.

مصاحبه‌شونده (۱): «مثلاً کتاب جدیدی که به ما دادن توش خیلی کارا داره. خانواده می گم در مورد هنر این کار رو بکن.

می گه خیلی وقت دارین می ذارین روی هنر. واقعاً برای شکم بچه، پوشش خیلی هزینه می‌کنند ولی به مسائل روانی بی‌توجه‌اند. به نظرم هنر با روان و روح بچه در ارتباطه. اگه این چیزا رو هم بها بدهیم، یک آدم موفقی تو زندگی می‌شود».

محول کردن تکالیف کلاس به منزل به خاطر وقت کم و بی‌نظم و ترتیب شدن فضای کلاس و خارج شدن از کنترل معلم نیز دلیل دیگری بر این امر است.

---

[1].Transforming Education through the Arts Challenge (TETAC) تحول تعلیم‌وتربیت از طریق چالش هنر

[2]. Killeen

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مصاحبه‌شونده (۸): «مثلاً یه کاردستی که می گم بچه خونه درست کنه، اولیا درست می‌کنند خود دانش‌آموز که درست نمی کنه. به خاطر همین چون برای اولیاء کار می‌برد، اعتراض می‌کنند».

۵-۲- بازدیدهای خارج از مدرسه

معلمان برای بازدیدهای خارج از مدرسه دچار مشکلاتی هستند. مسائل خروج دانش آموزان برای بازدید شامل محافظه‌کار بودن تعدادی از معلمان، سختگیری آموزش‌وپرورش، عدم رضایت والدین، هزینه‌بر بودن است.

مصاحبه‌شونده (۲): «سخت هست بردن بچه‌ها بیرون. یه اتفاقی بیفته مسئولیتش با منه. ولی خوب اگه یه وقتایی نیاز باشه می‌کنیم. اینکارو. مجبوریم می بریم دیگه با هماهنگی مدیر و البته رضایت اولیا باید باشه».

مصاحبه‌شونده (۷): «بچه‌ها رو طبیعت هم نمی‌بریم. به خاطر اینکه واقعاً مسئولیت داره. به خاطر مسئولیتش نمی‌بریم. خیلی کم. اصلاً خود اینجا هم موافقت نمی‌کنند».

این در حالی است که در هنگ‌کنگ همکاری مدارس و سازمان‌های هنری در ارتقای فعالیت‌های هنری بسیار چشمگیر است. در جمهوری کره مدارسْ دانش‌آموزان را حداقل یک‌بار در هر ترم به بازدید از موزه‌ها می‌برند. در هلند مدارس ابتدایی متخصصانی را از مؤسسات پشتیبان به خدمت گرفته و در زمینهٔ آموزش هنر از آن‌ها کمک می‌گیرند؛ دبیرستان‌ها نیز با سازمان‌های هنری و هنرمندان در ارتباط‌اند. در سنگاپور، مدارسْ تورها یا گردش‌های هنری برگزار می‌کنند تا یادگیری دانش‌آموزان و ارج‌گذاری به هنرها را ارتقا دهند. در اسپانیا نیز مدارس و معلمان هنر برنامه‌هایی را برای بازدید از موزه‌های هنری تنظیم می‌کنند (شارپ و همکاران، ۲۰۰۰).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

بحث و نتیجه‌گیری

هنگامی‌که دانش‌آموزان به حوزۀ هنرها فعالیت می‌کنند، در حقیقت تجارب فردی و روایت‌هایی از خود نشان می‌دهند که در سایر زمینه‌های یادگیری دیده نمی‌شود و این امر به معلمان توانمند نیازمنداست. آگاهی معلم از توانمندی‌ها و نقاط ضعف دانش‌آموزان باعث می‌شود، تجارب آموزشی که به کشف خلاقیت دانش‌آموزان کمک می‌کنند را فراهم کند. معلمان باید دانش کافی دربارۀ هنرها داشته باشند که این دانش برای داشتن قضاوت صحیح دربارۀ یادگیری دانش‌آموزان لازم است (رایت[1]، ۲۰۰۹). عواملی سبب شده تا معلمان دررسیدن به اهداف در نظر گرفته‌شده برای برنامۀدرسی هنر موفق نباشند ازجمله بی‌اهمیت بودن برنامۀدرسی هنر نسبت به دیگر دروس در عملکرد معلمان خودنمایی می‌کند. کمبود بودجه در نظر گرفته‌شده برای درس هنر باعث می‌شود بار تأمین هزینه مربوط به این درس به دوش خانواده‌ها افتاده و با توجه به مشکلات اقتصادی خانواده‌ها، اعتراض آن‌ها را برانگیزد. کمبود وقت درس هنر باعث می‌شود پرداختن به هنر به‌صورت گسترده امکان‌پذیر نبوده و معلمان به نقاشی و کاردستی‌های خیلی ساده اکتفا کنند و از تعمق برنامۀدرسی هنر اجتناب ورزند. ناآگاهی والدین نسبت به اهمیت نقش هنر در یادگیری کودکان نیز عامل دیگری است که عدم همراهی والدین با مدرسه به صورت شایسته را در پی داشته است. کمبود امکانات برای تدریس هنر و عدم وجود فضای مناسب و مواد آموزشی کافی در مدرسه مسئله دیگری است. این امر با نتایج یافته های فلاحی و همکاران (۱۳۹۰)، مهرمحمدی و همکاران (۱۳۸۰)، تمنایی فر و همکاران (۱۳۸۹) و دیویس (۲۰۱۰) همخوانی دارد.

با این وجود معلمان اذعان کرده اند که توجه به تدریس درس هنر نقش مؤثری در کشف مشکلات درونی و روانی کودکان و همچنین کشف استعدادهای خاص آن‌ها دارد. معلمان سعی کردند کمبود بودجه و امکانات را با خلاقیت خود و تهیه امکاناتی در حد توانشان جبران کنند.

[1]. Wright

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

هنر برای کودکان دیرآموز و بیش‌فعال تأثیر بسزایی دارد. هنر می‌تواند به توسعه مهارت‌های حسی، قابلیت‌های پرورش خلاقیت کودکان و مشارکت اجتماعی زمینه‌ساز بستر مناسبی برای آشنایی کودکان با سنت‌ها، فرهنگ‌های اسلامی و بومی باشد. بررسی مداوم کتاب راهنمای معلم برنامهٔدرسی هنر و ارزیابی عملکرد معلمان و گرفتن بازخورد از آن‌ها به‌صورت متناوب و کاربرد آن در نحوه تدوین کتاب راهنمای هنر در به‌روزرسانی محتوای آن مؤثر است.

تدوین کتاب درسی هنر شیرازه باز که دارای حق انتخاب برای دانش آموزان باشد، تجربه دیگری است که معلمان برای رفع مهجوریت برنامهٔدرسی هنر مناسب می‌دانند؛ بنابراین بر اساس یافته‌های پژوهش از معلمان کارآمد انتظار می‌رود که از توانایی‌ها و ویژگی‌های زیر برای تدریس هنر برخوردار باشند:

- محتوای برنامهٔدرسی را بدانند و به شناسایی و تعیین مواد آموزشی، وظایف و فعالیت‌هایی مناسب برای موقعیت‌های یاددهی- یادگیری ویژه توانمند باشند.
- قادر به ایجاد محیطی سودمند برای یادگیری باشند.
- جنبه‌های منتخب عملکرد دانش آموزان را به‌دقت مشاهده و ثبت کنند تابتوانند نیازهای یادگیری فردی و گروهی کلاس درس خود را تشخیص دهند.
- به‌طور مؤثر و مناسب با همکاران، والدین و سایر افراد جامعه همکاری و مشارکت داشته باشند.
- روش‌شناسی پایداری را با اهداف برنامهٔدرسی هنر و زمینهٔ ذهنی و اجتماعی دانش آموزان تطبیق داده و مورد استفاده قرار دهند.

علاوه بر ویژگی‌های اساسی که معلمان باید از آن برخوردار باشند، در برنامهٔدرسی هنر از معلمان انتظار می‌رود که با در نظر گرفتن ساعات آزاد برنامه‌های خلاقانه دانش آموزان را مورد تشویق قرار دهند و به آن‌ها در حوزه‌های مختلف هنری، فرصت فعالیت‌های خاص و منحصر به خودشان را دهند. به این طریق به دانش آموزان در پرورش هویت‌های ویژه و خلاقانه یاری رسانده‌اند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

منابع

- استراس، آنسلم، کوربین، جولیت (۱۳۹۰). *اصول روش تحقیقی کیفی (نظریه مبنایی رویه ها و روش ها)*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی.
- امینی، محمد (۱۳۸۴). *تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش*. تهران: آییژ.
- آیت اللهی، مینو و همکاران (۱۳۹۱). راهنمای برنامه درسی هنردوره ابتدایی؛ برای معلمان پایه های چهارم، پنجم وششم ابتدایی. دفتر تألیف کتاب های درسی، وزارت آموزش و پرورش.
- تمنایی فر، محمدرضا؛ امینی، محمد ویزدانی کاشانی، زینب (۱۳۸۹). تأملی برکارکردهای تربیت هنری در نظام آموزشی. *فصلنامه جلوه هنر*، دوره جدید، شماره ۲.
- فلاحی، ویدا؛ صفری، یحیی و یوسف فرحنک، ماندانا (۱۳۹۰). تأثیر آموزش با رویکرد تربیت هنری برفعالیت های هنری ومهارت های فرایندی دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی، *فصلنامه نوآوری های آموزشی*. سال دهم، شماره ۳۹.
- گال، مردیت، بورک، والتر، گال، جویس (۱۳۹۲). *روش های تحقیق کمی وکیفی (جلد اول)*، ترجمه احمدرضا نصروهمکاران، تهران: سمت.
- منصوریان، یزدان (۱۳۹۱). هفتاد نکته کاربردی در طراحی واجرای پژوهش های کیفی، کتاب ماه کلیات، سال پانزدهم، شماره ۸.
- میرزابیگی، حسن (۱۳۹۰). *نقش هنر در آموزش و پرورش وبهداشت روانی کودکان*، تهران: مدرسه.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۰). *آموزش عمومی هنر؛ چیستی، چرایی و چگونگی*، تهران: مدرسه.
- مهرمحمدی، محمود؛ عابدی، لطفعلی (۱۳۸۰). *ماهیت تدریس وابعاد زیباشناختی آن*. فصلنامه مدرس. دوره ۵، شماره ۳.
- مهرمحمدی، محمود وکیان، مرجان (۱۳۹۳). *برنامهٔ درسی وآموزش هنر در آموزش و پرورش*، تهران: سمت.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

- نواب صفوی، مینا، دارپور، فاطمه وهمکاران (۱۳۸۵). *راهنمای معلم برنامه درس هنر، برای معلمان پایه های اول، دوم وسوم ابتدایی*. دفتر تألیف کتب درسی، وزارت آموزش و پرورش.

– Cvetkova, Biljana. AndonovskaTrajkovska,Daniela.tanasoska, tjana (2010).*Values of some strategies of teaching and learning in fine art education*. A University,St.Kliment Ohridski -Faculty of Education.

– Deasy, Richard. Ed (2002).*Critical links: Learning in the Arts and Student Academic and Social Development*. Washington, DC: Arts Education Partnership.

– Davies, Dan (2010). *Enhancing the role of the arts in primary pre-service teacher education*. Bath Spa University, Newton Park, Bath, Somerset BA2 9BN, England, UK.

– Eisner, Elliot (2002).*The Lessons the Arts Teach, Available at Learning and Arts: Crossing Boundaries Proceedings from an Invitational Meeting for Education*, Arts and Youth Funders Held January, Los Angeles.

– Eisner. Elliot (1998).*Does Experience in the Arts Boost Academic Achievement?* In Eisner, The Kind of Schools We Need. PP-87,100.

– Kaynar Tanir, Ayben. Cakir Ilhanb, Ayse. Ayhan Ozerc, Zulfikar niz (2012*). Teaching visual arts in primary school teaching departments of postmodern art education approach*. aAnkara University, Faculty of educational Sciences, Ankara 06590, Turkey.

– Kocer, Hale (2012).*The evaluation of the art activities applied in preschool education programmes in terms of self-expression opportunity given to child*. Akdeniz University, Faculty of Education, Department of Primary Education, Division of Preschool Education Antalya Turkey.

– Killeen, Donald J(2004).*Transforming Education Through The Arts Challenge (TETAC)*, Final Project Report, The National Arts Education Consortium Department of Art Education, The Ohio State University.

– Orhun Beykal, Feryal(2009).Training & Teaching style in accessing a Desired Classroom Discipline at Visual Art Courses. *World Conference on Educational Sciences. Procedia Social and Behavioral* Sciences v1, 692–696.

– Robinson, Ken.)2000).Arts Education's Place in a Knowledge-Based Global Economy, Available at *Learning and Arts*: Crossing Boundaries/Proceedings from an Invitational Meeting for Education, Arts and Youth Funders Held January, Los Angeles.

– Sharp, Carolin and Metais Le Joanna (2000).*The Arts, Creativity and Cultural Education*:An International Perspective, Qualification and Curriculum Authority in England.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

– Wright, Peter. (2009).*Teaching in Arts Education, International Handbook of Research on Teachers and Teaching*, Part One Editors.Edited by Lawrence J. Saha andA. Gary Dworkin. Springer Science and Business Media, LLC.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]